\_ ١٦ای یاران نورانی و اماء رحمن چون ظلمات نادانی و غفلت از عالم یزدانی و احتجاب از حق جهانرا احاطه نمود صبح نورانی طلوع کرد و شعاع ساطع افق شرق را روشن نمود پس شمس حقیقت طلوع فرمود و انوار ملکوت بر شرق و غرب بتافت آنان که بینا بودند بشارت کبری یافتند و ندای یا طوبی یا طوبی بلند نمودند و مشاهده حقائق اشیا کردند و باسرار ملکوت پی بردند از اوهام و شبهات رستند نور حقیقت مشاهده کردند و از جام محبت الله سرمست گشتند که بکلی خود و جهانرا فراموش نمودند رقص کنان در نهایت فرح و طرب بمشهد فدا شتافتند و در قربانگاه عشق جان و سر بباختند ولی کوران از این ولوله حیران گشتند و سرگردان شدند و فریاد این النور زدند و گفتند ما نوری مشاهده ننمائیم و آفتابی طالع نبینیم این اوهامست حقیقتی ندارد خفاش صفت بظلمات تحت الأرض شتافتند و بخیال خویش راحت و آسایشی یافتند ولی بدایت طلوع است قوت حرارت شمس حقیقت هنوز تأثیر تام نبخشیده چون بوسط سماء رسد حرارت چنان نفوذ کند که حشرات را نیز در زیر زمین بحرکت آرد هر چند مشاهدهء نور ننمایند ولی نفوذ حرارت کل را بجنبش و حرکت آرد پس ای یاران الهی شکر کنید که در یوم اشراق توجه بنیر آفاق نمودید و مشاهده انوار کردید از نور حقیقت نصیب بردید و از فیوضات ابدیه بهره گرفتید و بشکرانه این موهبت دمی نیاسائید و ساکن و صامت مباشید بشارت ملکوت را بگوشها برسانید و کلمة الله را منتشر نمائید و نصایح و وصایای الهی مجری دارید یعنی بحرکت و آدابی قیام کنید که جسم عالم را جان بخشید و طفل صغیر امکانرا بمقام رشد و بلوغ رسانید تا توانید در هر محفلی شمع محبت بر افروزید و هر دلی را بنهایت رأقت ممنون و مسرور نمائید بیگانگانرا مانند خویش بنوازید و اغیار را بمثابه یار وفادار مهربان گردید اگر نفسی جنگ جوید شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگرگاه زند شما مرهم بر زخم او بنهید شماتت کند محبت نمائید ملامت کند ستایش فرمائید سم قاتل دهد شهد فائق بخشید بهلاکت اندازد شفای ابدی دهید درد گردد درمان بشوید خار شود گل و ریحان گردید شاید بسبب این رفتار و گفتار اینجهان ظلمانی نورانی گردد و این عالم خاکی آسمانی شود و این زندان شیطانی ایوان رحمانی گردد جنگ و جدال بر افتد و محبت و وفا در قطب عالم خیمه افرازد اینست نتائج وصایا و نصائح الهی و خلاصه تعالیم دور بهائی